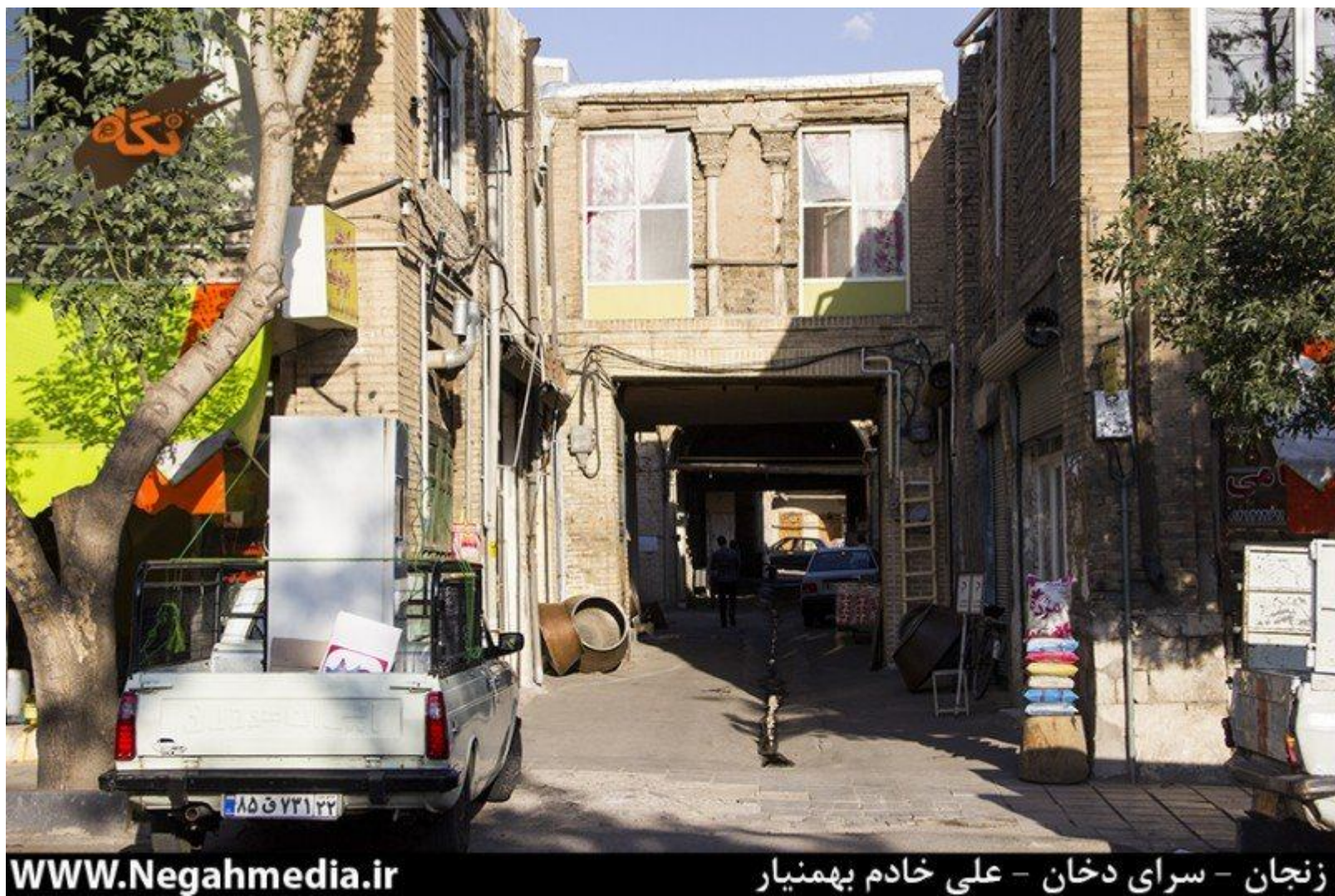


- ۱- کاروانسرای سنگی زنجان
- ۲- مرکز محله مسجد یری پایین
- ۳- مرکز محله مسجد یری پایین
- ۴- کاروانسرای دخان
- ۵- سرای حاج کلب علی
- ۶- سرای حاج علیقلی
- ۷- میدان میوه فروشان
- ۸- میدان شیطانہ بازار
- ۹- میدان آهنگران + م رنگرزا
- ۱۰- تیمچه چهار دربی
- ۱۱- سرای نصریه
- ۱۲- راسته چاروق دوزان و صندوق سازان
- ۱۳- مساجد چهل ستون + حجه الاسلام + سید فتح اله + جامع (سید)
- ۱۴- حمام باستانی حاج ابراهیم (محله سفالر و تکیه سفالر)
- ۱۵- سرای ملک
- ۱۶- سرای گلشن
- ۱۷- سفره خانه سنتی حاج داداش (حمام باستانی بلوری)
- ۱۸- مسجد و سفره خانه سردابه + راسته جغور و بغور پزان + مسجد میرزایی
- ۱۹- محله و مسجد حسینیه اعظم زنجان
- ۲۰- باقیمانده قلعه و کاروانسرای قلعه زنجان
- ۲۱- کشتارگاه تاریخی زنجان (ساختمان شماره ۲ میراث فرهنگی زنجان)

کاروانسرای دخان زنجان:





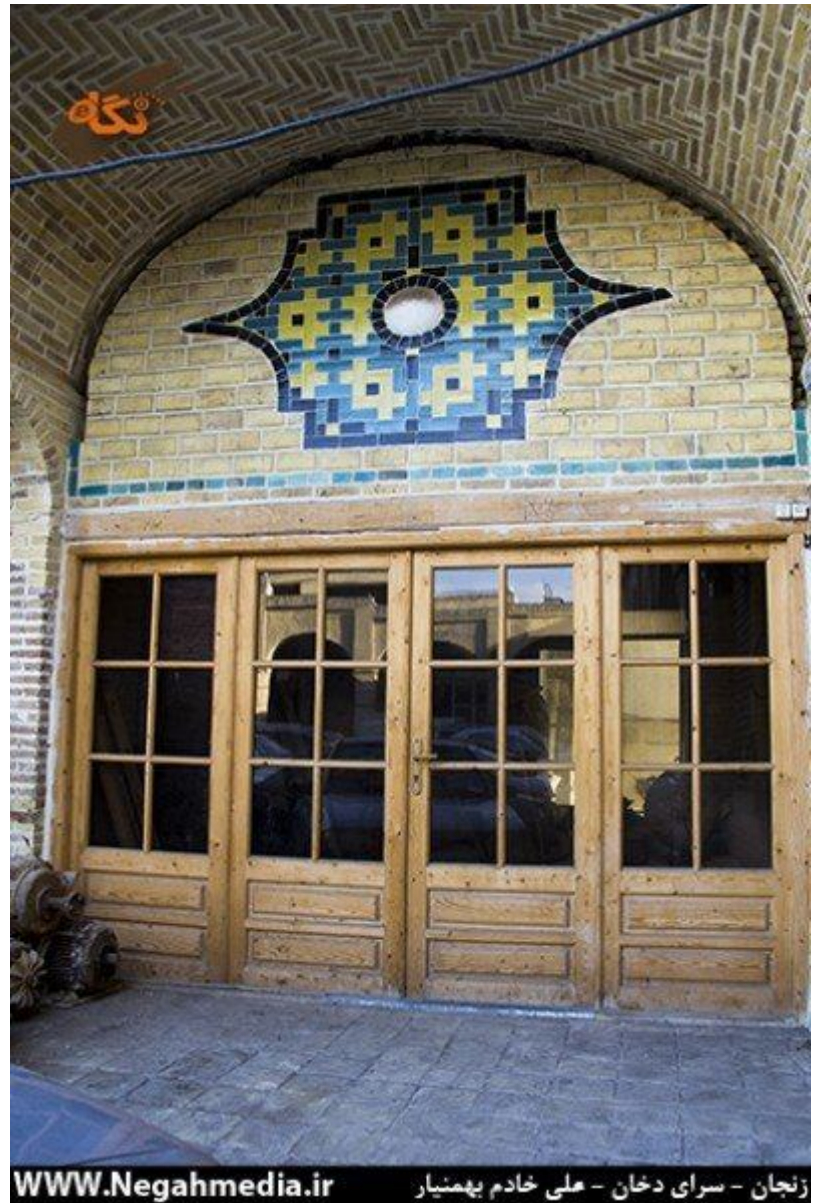




WWW.Negahmedia.ir

زنجان - سرای دخان - علی خادم بهمنیار





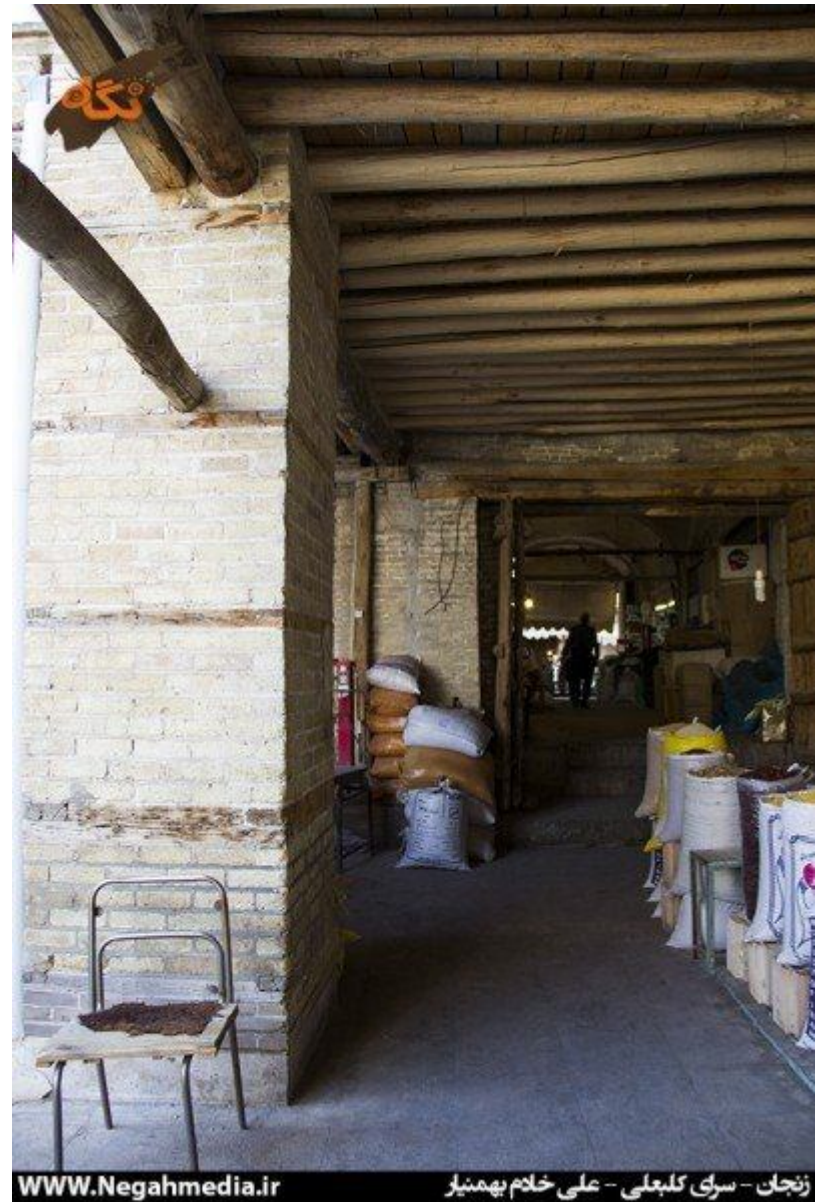
کاروانسرای حاج کلب علی زنجان:



WWW.Negahmedia.ir

زنجان - سرای کلبعلی - علی خادم بهمنیار







WWW.Negahmedia.ir

زنجان - سرای کلبعلی - علی خلام بهمنیار





WWW.Negahmedia.ir

زنجان - سرای کلبعلی - علی خلام بهمنیار

کاروانسرای حاج علیقلی زنجان:



WWW.Negahmedia.ir

زنجان - سرای علیقلی - علی خلام بهمنیار





WWW.Negahmedia.ir

زنجان - سرای علیقلی - علی خلام بهمنیار

میدان میوه فروشان و شیطانہ بازار زنجان:





Photo:Morteza Elyasi

FARS NEWS AGENCY



مشهد

mashreghnews.ir



سرای ناصری زنجان:



حمام باستانی حاج ابراهیم زنجان:



شناسه خبر: ۲۴۸۰۲۷۴ یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۳ - ۱۰:۳۹

استانها > زنجان

زنجان- گرمابه های سنتی و قدیمی امروزه درحالی به سرعت روند زوال را طی می کنند که به رغم پیشرفت و توسعه تکنولوژی بسیاری از مردم بازهم خواهان استفاده از اینگونه حمام ها هستند .

به گزارش خبرنگار مهر، شاید به جرات بتوان گفت هیچ آبتنی ای لذت بخش تر از آبتنی در حمام های عمومی نیست، این لذت را پدر ها و مادرها و پدربزرگ ها و مادر بزرگ ها بیشتر در ک می کنند. استشمام بوی سفید آب، صابون و شامپو تخم مرغی، کاسه مسی و سدر و حنا و قطیفه و لنگ، زدن یک بقچه ای تمییز و گل دوزی شده زیر بغل عزم آدمی برای استحمام و پاکیزگی را می نمایاند و کودکانی که همراه والدین عازم گرمابه می شدند تا دو ساعتی کیسه های بافته شده از پشم پوست آن ها را نوازش کند.

آبتنی های آن روزگار گرچه بسیار طولانی می شد و گاه کاسه صبر کودکان را لبریز می کرد اما برای بزرگترها فرصتی بود برای پاکی و رهایی از آلودگی ها، گرد هم آمدن و به گفت و گو نشستن و دلچسب تر می شد وقتی با روز جمعه مقارن بود. در حمام های نمره بلیط می گرفتند و داخل حمام های کوچکی می شدند که به صف دور تا دور سالنی آماده پذیرش مشتری بودند و در حمام های عمومی همگی در یک سالن بزرگ استحمام می کردند و دلاک آن قدر پوست مردم را با کیسه و سفید آب و پس از آن با لیف و صابون نوازش می داد که پوست های لطیف همچون گل سرخ می شدند، اگر لازم بود حنازدن و سدر زدن و حجامت هم آنجا انجام می شد.



کودکان نیز به این ترتیب زیر دست والدینشان آنقدر کیسه کشی می شدند تا نفس کم می آوردند و بعد از حمام بود که شال و کلاه سر می کردند و راهی خانه می شدند تا با ساعتی خوابیدن خستگی از تنشانشان درآید.

گرما به ها نقش قابل توجهی در انتقال آداب و رسوم و آیین ها و مناسک، ادبیات شفاهی و سایر ابعاد فرهنگی جامعه نیز ایفا می کردند، دیدار مردم در این محل تازه می شد و انتقال اخبار صورت می گرفت. گرما به ها نقش قابل توجهی در انتقال آداب و رسوم و آیین ها و مناسک، ادبیات شفاهی و سایر ابعاد فرهنگی جامعه نیز ایفا می کردند، دیدار مردم در این محل تازه می شد و انتقال اخبار صورت می گرفت.

گرما به ها امروز نیز از نظر معماری دارای ارزش و اعتبار هستند و هویت معماری بومی هر منطقه را به نمایش می گذارند، زنجان نیز در طول سالیان متمادی دارای حمام های تاریخی بسیاری بوده که در چند دهه اخیر بخش قابل توجهی از این میراث تاریخی به بهانه های مختلف تخریب شده یا تغییر کاربری یافته است و اکنون تعداد محدودی از آن ها به جا مانده است. یکی از گرما به های به جا مانده از روزگاران دور، گرما به تاریخی حاج ابراهیم سرمیدان است، گرما به ای که در جدال با سرمای روزگار هنوز پا برجاست و مشتریان اهل ذوق خود را دارد.

در کوچه سقالر یکی از کوچه های معروف منتهی به خیابان فردوسی و در همسایگی کاروانسرا ناصریه کاروانسرای بهجت واقع شده است، در چوبی قدیمی با گل میخ هایش همچنان باقیست اما دیگر خبری از دو سکویی که دو سوی در، برای نشستن تعبیه شده بود خبری نیست، دیوارها بازسازی و نقاشی شده است.

در را که می گشایی بخار و رطوبت صورتت را نواش می دهد یک متر از پایین دیوارها با رنگ نارنجی و آبی به طرح آجر نقاشی شده است چهار پله می آبی پایین وارد دالانی باریک به ابعاد دو متر مربع می شوی، در دیگری هست که غبار تاریخ ندیده، جدید است و چشمی دارد.



کمد های چوبی دور تا دور سالن چیده شده اند و مقابل آن ها سکویی برای نشستن، کف سالن با تکه موکت های مختلف پوشانده شده، یک بخاری با دودکش بلند که از وسط سقف خارج شده روبروی در است و یک حوض هشت ضلی با ماهی های قرمز که سقف بالای آن گنبدی است و سه نورگیر دارد که وقتی به جهت تعبیه آن ها دقت می کنی می بینی یک فلش به سمت قبله است.

انتهای سالن یک تخت با روکشی مندرس و یک خمره بسیار بزرگ و قدیمی که تکیه گاه سماور کوچک گرمابه است و در سوی دیگر یک یخچال یک و نیم متری که حداقل عمرش سه دهه است، اسفندها به شکل لوستر به نخ کشیده شده و لامپ ها را احاطه کرده اند.

پیشخوان هم سمت چپ ورودی در جای گرفته است و سر در آن با عکس حاج ابراهیم و پدرش که دو نسل از گرمابه دارن هستند مزین شده است. دور تا دور سالن که "سربینه" نام دارد اشیا قدیمی چیده شده، لوازم چوبی، سماور، ترازو، دستگاہ نخ رسی، قلیان، چراغ نفتی، خمره و حتی کتاب هایی که به گفته صاحب گرمابه متعلق به عهد صفویه است "مشک اب"، حصیرها و ده ها وسیله دیگر دور تا دور سقف طاق ضربی کوبیده شده اند، بسیاری از وسایل ها روی ۴۳ کمد چوبی کوچک که با رنگ آبی روشن نقاشی شده اند چیده شده و حتی عکس هایی از شمایل ائمه (ع) و لوطی های قدیمی زنجان چسبانده شده، بخشی از اشیا ریز مثل انگشتری و کتاب های قدیمی درون یک ویتترین جدید چیده شده اند و قفس های قناری روی کمدها قرار گرفته اند تا مشتری ها همراه با عطر خوش حمام از آواز زیبای آن ها نیز بهره مند شوند.

از ناهمگونی برخی لوازم متوجه می شوی سرپا ماندن گرمابه دشوار و هزینه بر است و ناگزیر با حداقل لوازم نگهداری می شود.

به گفته محمد رضا سرمیدان نسل سوم از خانواده گرمابه دار، ۶۰۰ قطعه از اشیا قدیمی در این سالن به نمایش گذاشته شده اند و همه آن ها را طی هشت سال با ذوق و اهتمام شخصی اش جمع آوری کرده است و قدیمی ترین آن ها همان خمره بزرگ زیر سماور است که حدود چهار قرن قدمت دارد.



"لنگ" های قرمز رنگ تا شده و مرتب در یکی از قفسه ها روی هم چیده شده اند، شامپو، صابون و حتی کیسه در قفسه ای برای فروش صف کشیده اند.

در کمد کوچک روبروی در چشمی دار، را که باز می کنی به "سردابه" می رسی جایی شبیه انبار با سقف کوتاه که در گذشته برای خنک نگه داشتن آب و خوراکی استفاده می شد و در داخل کمد مخفی شده است.

نرسیده به انتهای سالن و سماور و تخت، ورودی دیگری هست که از طریق یک محوطه یک متر مربعی هدایتت می کند به سمت سرویس بهداشتی و حمام.

دمپایی ها در ورودی صف کشیده اند تا مشتری آن را به پا کند و چهار پایه ها و سطل های پلاستیکی که برای نشستن و آب برداشتن استفاده می شوند. از یک حوضچه کوچک محتوی آب سرد به دالان و بعد حمام وارد می شوی.



صاحب گرمابه می گوید این حوضچه علاوه بر اینکه پاهارا پیش از ورود پاک می کند هنگام خروج از حمام نیز اگر پاها با آب سرد در تماس باشند فرد را از سرما خوردگی و سردرد ناشی از بخارات حمام حفظ می کند.

دالان ها یا دهلیزها هم یکی از ویژگی های جذاب معماری گرمابه هاست، این دهلیزها در تعدیل هوای محیط موثرند و با معتدل کردن هوای گرم و سرد مانع سرماخوردگی می شوند.

وارد دالان که می شوی یک در کوچک هست که در آن نیم دیواری دو سرویس بهداشتی را از هم جدا کرده و در کوتاه و باریک دیگری که طول و عرض آن یک در یک و نیم متر هم نمی شود به سالنی باز می شود که دور تا دور آن درهای حمام های کوچک و دوش دار هست.

سالن با سرامیک کف پوشی شده در این سالن مردم کیسه می کشند و سپس در حمامک ها دوش می گیرند، دو حمام جداگانه که دیوارهای آن نیز با مصالحی شبیه آهک پوشیده شده محل جداگانه ای برای نظافت های خاص است، نورگیرهای سقف سالن مشابه نورگیرهای سربینه است.

سکوی مربوط به نماز خواندن طی زمان تخریب شده و جای آن خالی است همین طور جای سه خزینه آب سرد، گرم و ولرم سالهاست در این سالن خالی است، گرچه هنوز آب جاریست، آب تنی هست و دلاک و مشت و مال ...

گرمابه حاج ابراهیم که در دل بازار قدیمی زنجان جا خوش کرده است حالا علاوه بر مشتری های ثابت و سن و سال دار مشتری های جوان هم دارد که با علاقه به مشت و مال می آیند و در گرمابه آبتنی می کنند.



هر روز ساعت هفت صبح در گرمابه به روی مشتریان گشوده می شود و روزانه به طور میانگین بیست نفر مراجعه کننده دارد، بازدید کننده هایی هم هر هفته از خارج از استان برای بازدید می آیند، از هفت سال پیش تاکنون شنبه ها گرمابه مختص بانوان است و مشتری ها پرو پا قرص هستند حتی یک مشتری دارد که به هوای آبتنی از تهران به زنجان عزیمت می کند. دلاک و مشمت و مال ده، برای آقایان یک نفر است و برای خانم ها سه نفر.

فیروز اسکندری پنج سالی هست که دلاک و مشمت و مال ده، این گرمابه است فوت و فن کار را از دلاک قبلی که بازنشسته شد آموخته است، گرم بودن و تنفس بخارات حمام برای او کار کردن را دشوار کرده اما علاقه مند است و به ناچار باید کار کند. سرمدیان: مشتری ها با علاقه خاصی می آیند اینجا و گرمابه علاوه بر اینکه محلی برای نظافت آن هاست محلی برای گفت و گو و تجدید دیدار و لذت بردن از مشمت و مال استنها دلاک مردانه گرمابه حاج ابراهیم از ساختار سنتی حمام خوشش می آید، او هم دلاک است هم مشمت و مال ده و هم پذیرایی از مشتریان با چایی را به عهده دارد جوانان بیشتر به مشمت و مال علاقه مندند و روزی بیشتری برایش دارند.

محمد رضا سرمدیان نوه حاج محمد و فرزند حاج ابراهیم، سومین نسل از گرمابه داران در این خانواده است. او که علاقه مند به فعالیت در محیطی آرام است از هفده سال پیش پس از فوت پدرش مدیریت حمام را عهده دار شده و دلسوزانه تمام امورات آنجا از تعمیر و بازسازی تا جمع آوری کلکسیون برای ایجاد موزه در گرمابه را انجام می دهد.

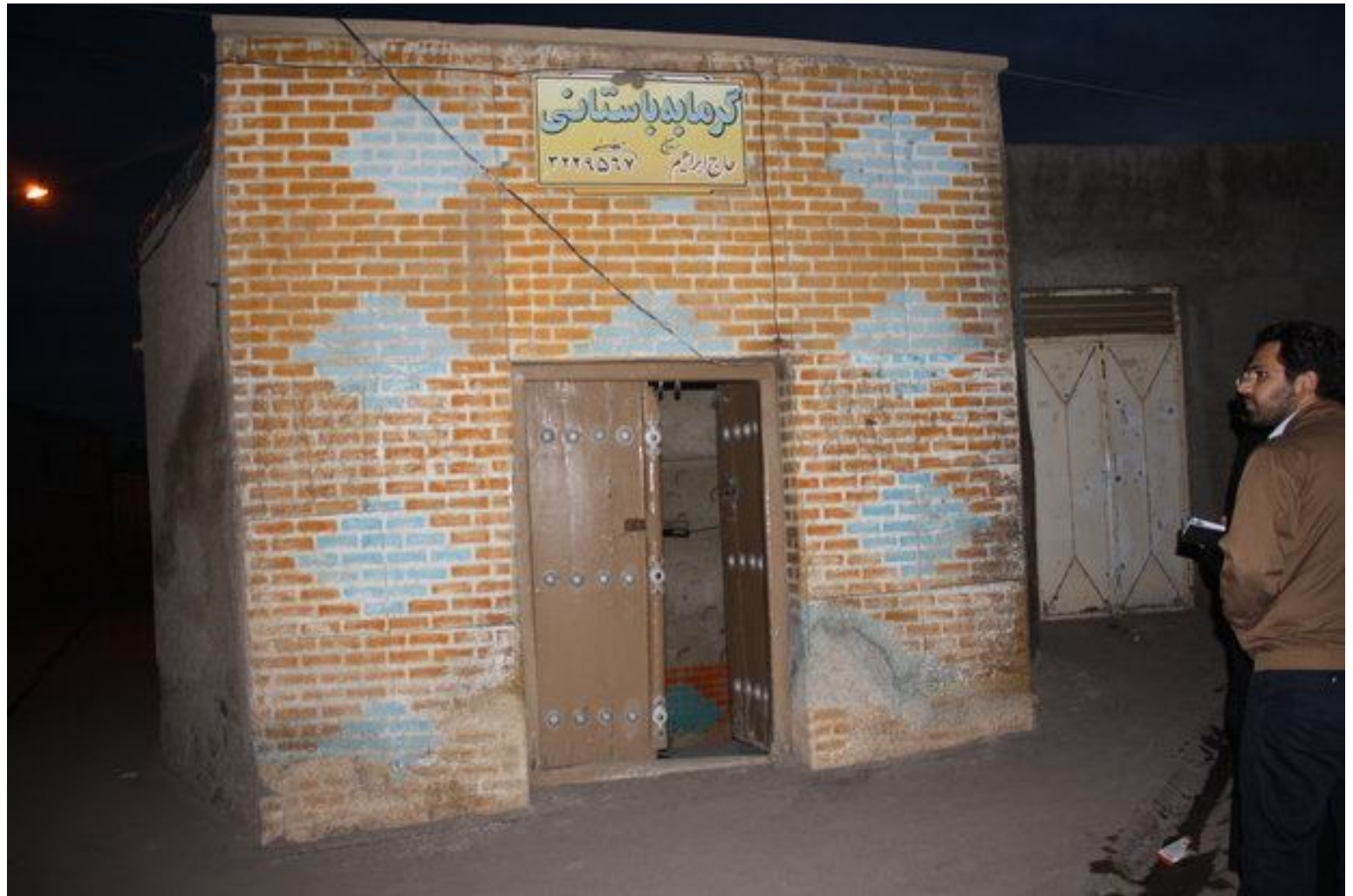
سرمدیان می گوید: آن طور که پدرم تعریف می کردند در یکی از تعمیرات گرمابه متوجه شده روی یک قطعه سنگ حفاری شده «تعمیرات اساسی به سال ۱۱۳۳» گرچه او نیز در این تاریخ تردید دارد اما معتقد است هر چه هست گرمابه متعلق به عهد صفوی است.



وی به نقل قول هایی از پدرش استناد می کند و می گوید: قبلا لوله کشی آب نبود و آب را از داخل «گوی» که چیزی شبیه خمره های سفالی است به حمام هدایت می کردند سوخت حمام که سیستم گرمایشی آن زیر حمام تعبیه شده، در طی تاریخ با فضولات حیوانی، چوب، نفت سیاه، گازوییل، نفت سفید و - اکنون - گاز تامین می شده است.

سرمدیان: پدرم در مرمت هایی که داشت متوجه شده بود پی ساختمان از جنس سرب است و استحکام بسیار بالایی دارد. صاحب این گرمابه تاریخی ادامه می دهد: پدرم در مرمت هایی که داشت متوجه شده بود پی ساختمان از جنس سرب است و استحکام بسیار بالایی دارد.

این گرمابه دار یادآور می شود: قبلا به جای کمد ها میخی روی دیوار بود که بقچه لباس را به آن می آویختند پدر بزرگم مجبور شد از یکی از جنگل های اطراف زنجان چوب ببرد و آن را دو سال در موتور خانه نگهداری کند تا پس از ساخت تغییر حالت نداشته باشد، پس از آن چوب ها را با کمک نجار به کمد های چوبی تی تبدیل کند که اکنون مشاهده می کنید. سرمدیان می گوید: مشتری ها با علاقه خاصی می آیند اینجا و گرمابه علاوه بر اینکه محلی برای نظافت آن هاست محلی برای گفت و گو و تجدید دیدار و لذت بردن از مشیت و مال است. وی با اشاره به اینکه در گذشته حمام عروس و داماد و حمام زایمان در گرمابه ها برگزار می شد، خاطر نشان می کند: طی سال های اخیر حمام عروس و داماد رونق گرفته است عروس ها و دامادها با همراهانشان و ساز و دهل می آیند برای آبتنی و جشن.



نرخ های هر سانس آب تنی را پنج هزار تومان اعلام می کند البته دلاکی و مشمت و مال دادن نیز تعرفه هایشان به تفکیک سه و چهار هزار تومان است، برای حمام عروسی هم هر سانس متناسب با تعداد نفرات از ۱۷۰ هزار تومان تا ۳۲۰ هزار تومان تعیین شده است.

سرمدیان اسناد ثبت گرمابه را می آورد پوشه ای که وعده ها و قوانین در آن بوی رطوبت گرفته اند... ملک گرمابه را حاج محمد وقف کرده اما سرقفلی متعلق به خانواده سرمدیان است با مساحت ۴۵۶ متر مربع، سال ۸۸ در زمره آثار ملی ثبت شده است و گرچه باید پیرو این رویداد از مالیات های متعلق به درآمد معاف می شد و علاوه بر مساعدت های فنی و کارشناسی در حفاظت و تغییرات بخشی از هزینه های آن از سوی میراث فرهنگی تامین می شد اما به گفته سرمدیان تاکنون این وعده ها محقق نشده است.

سرمدیان خاطر نشان می کند قرار بود سال ۸۵ میراث فرهنگی گرمابه ها را تملک کند اینجا تبدیل به موزه صنایع دستی شود و گرمابه میرلی تبدیل به موزه مردم شناسی اما این وعده هم محقق نشد. به گفته سرمدیان اکنون دو گرمابه دیگر در سطح شهر زنجان فعال هستند گرمابه های "میرلی" و "فراش باشی" اما گرمابه حاج ابراهیم سرمدیان قدیمی سنش بالاتر از آن هاست.



وی اظهار می کند: سالانه حدود ۱۰ میلیون تومان هزینه نگهداری و عوارض شهرداریست، با وجود اینکه علاقه زیادی به گرمابه دارم اما منتظرم سریعتر میراث فرهنگی تعیین تکلیف کند که در نگهداری آن مرا حمایت می کند یا قصد تملک دارد. صاحب این گرمابه تاریخی مشاهده تخریب این گرمابه را رنجی بزرگ می داند و می افزاید: همه امور مربوط به تعمیر و مرمت را خودم انجام می دهم، هر در خواستی که به میراث فرهنگی داشته ام پاسخی نداشته و تلخ تر اینکه وقتی به یکی از مدیران کل اسبق میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مراجعه کردم و نگرانیم را از تخریب بنا اعلام کردم به من گفت اشکالی ندارد می خواهی کلنگ بدهم خودت تخریب را شروع کنی!؟. گزارش از سولماز شهبازی